

کشتار ترکهای آذربایجان ایران توسط دستجات ارمنی-آسوری در سالهای جنگ جهانی اول

مهران بهاری

۳۱ یئلین آی، ۲۰۰۵ (تویوق ایلی)

از وئبلاگ ساری گلین، ویژه کشتار ترکهای آذربایجان ایران توسط قوا و دستجات ارمنی-آسوری در سالهای جنگ
جهانی اول

<http://sari-gelin.blogspot.com/>



قومیت‌گرایی بنیاد‌گرای ارمنی سه مشخصه عمده دارد:

الف- همکاری با دولتهای استعماری-مسیحی غرب بر علیه همسایگان ترک و مسلمان؛
ب- توسعه طلبی مدام ارضی، چشم داشت مستمر به سرزمین ملل مجاور و اشغال عملی خاک آنها؛

ج- استفاده گسترده و بیرحمانه از خشونت، ترور، اخراج جمعی، کشتارهای گروهی اهالی غیر مسلح و نسل کشی.



با رو به افول گذاردن قدرت دولت عثمانی در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، رهبران ارمنی با حمایت و تحریک دول امپریالیستی - مسیحی روسیه، فرانسه، بریتانیا، یونان، آمریکا، ایتالیا، آلمان و میسیونرهای مذهبی، در صدد تجزیه قلمرو شرقی ترک و مسلمان نشین آناتولی عثمانی (آذربایجان ترکیه)، اشغال مناطق جنوبی قفقاز و تاسیس دولتی ارمنی - مسیحی در این مناطق بر آمدند. سیاست تشکیل

دولتی مسیحی در مناطق ترک نشین شرق آناتولی و جنوب قفقاز و یا آذربایجان تاریخی، یکی از دو محور عمده طرحهای دول استعماری برای ضربه زدن و درهم کوبیدن دولت ترکی عثمانی از جبهه شرق بود (محور دیگر این سیاست ضدترکی امپریالیستی، ساقط نمودن دولت ترکی-آذربایجانی قاجار و تاسیس دولتی فارس و قومیت‌گرا در ایران بود). یکی از انگیزه های دول استعماری-مسیحی غربی برای تجزیه و ساقط نمودن دولت عثمانی، انتقامجویی از شکست خود در جنگهای صلیبی و از دست دادن قسطنطنیه و خواست تسلط دوباره بر آن و بود. ارمنیان نیز که خواستار ایجاد دولتی ارمنی در مناطق شرقی این کشور بودند، درصدد برآمدند تا با استفاده هر چه بیشتر از وضعیت ضعیف دولت عثمانی، درگیری آن در جنگی در هفت جبهه مختلف، یاری بیحد دول استعماری-مسیحی غرب و احساسات و تعصبات دینی غریبان و اروپائیان، تا آنجا که ممکن است خاک و سرزمین هر چه وسیعتری از شرق ترکیه - جنوب قفقاز (آذربایجان تاریخی) را به اشغال خود در آورده و به دولت وعده داده شده ارمنستان بزرگ الحاق نمایند.

روسها همواره آرامنه را به چشم یکی از وفادارترین قومها به خود نگریسته اند و این قوم مانند امروز در گذشته نیز در سیاستهای استعماری روسیه در منطقه جایگاه و وزنه ویژه ای داشته است. در جنگهای بین روسیه تزاری و ارتش دولت ترکی-آذربایجانی قاجار، ارمنیان هر دو سوی ارس در صف روسیه تزاری و به عنوان ستون پنجم آن دولت عمل کرده، در شکست ارتش قاجاری، اشغال جنوب قفقاز و تجزیه ایران و آذربایجان نقش کلیدی بازی نموده بودند. ارمنیان همکاری و وابستگی به روسیه تزاری در اشغال شرق ترکیه را نیز هرگز انکار نکرده اند. با شروع جنگ جهانی اول، نیروهای مسلح و دسته جات شبه نظامی ارمنی (مانند جنگهای سالهای ۱۸۲۸، ۱۸۵۴، ۱۸۷۷) از سوی شرق همراه ارتش دولت روسیه تزاری، به اراضی ترکیه عثمانی هجوم آوردند. در سال ۱۹۱۵ ارتش مهاجم روسیه با راهنمایی و یاری ارمنیان خاک عثمانی به عنوان ستون پنجم روسیه تزاری و گشوده شدن دروازه های شرقی امپراتوری در نتیجه اقدامات این گروه، موفق به اشغال شرق آناتولی گردید.

آذربایجان زخمی

اما هنوز مانعی عمده در راه تاسیس دولت ارمنی در شرق آناتولی و همچنین در جنوب قفقاز وجود داشت: ارمنیان با آنکه در بسیاری از شهرستانهای عثمانی و مخصوصا استانبول پخش شده بودند (وضعیتی شبیه پراکندگی ارمنیان در ایران امروز) اما در هیچیک از شهرستانهای عثمانی دارای اکثریت مطلق نبودند. پرفسور ژوستین مک کارتی (Justin McCarthy) استاد دانشگاه لوئیس ویل کنتاکی ایالات متحده آمریکا، متخصص مردمنگاری تاریخی، میگوید: "علیرغم وجود ارمنیه در نقشه های قرن نوزده و موضعگیریهایی سیاستمداران اروپائی، در خاک عثمانی، در جهان خارج و عالم واقع هرگز ارمنیه ای، نه به لحاظ جمعیتی و نه به لحاظ اداری-سیاسی وجود نداشته است". وی در مقاله خویش "ارمنیان در امپراتوری عثمانی" نقشه های توزیع جمعیتی را نشان میدهد که در آنها به سالهای ۱۹۱۲ جمعیت ارمنی (اعم از گریگوری، کاتولیک و یا پروتستان) در همه شهرستانهای آناتولی اقلیتی مجزاست و میگوید "اگر همه ارمنیان جهان هم به شش شهرستان مورد ادعای ایشان مهاجرت میکردند، باز هم اکثریت را مسلمانان (ترکها) تشکیل میدادند".

راه حلی که ارمنیان برای حل این معضل انتخاب نمودند عبارت بود از پاکسازی فیزیکی شرق ترکیه و جنوب قفقاز از ترکان-مسلمانان با کشتار جمعی، نسل کشی و اخراج گروهی آنها. با حمله و ورود ارتش روسیه تزاری به خاک عثمانی و اشغال نمودن نواحی شرقی آناتولی که در آنجا اکثریت مطلق با ترکها بود، ارمنیان و دستجات مسلحشان در صفوف نیروهای اشغالگر تزاری، آغاز به کشتار جمعی و نسل کشی ترکها و مسلمانان به منظور تغییر بافت قومی منطقه نمودند. با انجام پی در پی قتل عامهای از پیش طراحی شده بشمار، ارمنیان درصدد بودند تا پیش از الحاق قطعی این مناطق به دولت مستقل ارمنستان آینده، از طرفی تا آنجائیکه ممکن بود جمعیت ترک-مسلمان آن را با کشتار مستقیما کاهش دهند، و از طرف دیگر توده ترک وحشترده و غافلگیر شده، بیدفاع و پریشان باقی مانده را مجبور به فرار از منطقه نموده و بدین ترتیب اکثریت جمعیتی ای را که فاقد آن بودند بدست آورند. هدف غائی ارمنیان، طبق اسناد موجود خودشان، این بود که در ناحیه ارس-ایروان و الویه ثلاثه (قارس-آرداهان-باتوم)

یعنی منطقه ای تماماً ترک (آذربایجانی) نشین جزء آذربایجان ائتیک، حتی یک ترک مسلمان (آذربایجانی) باقی نگذارند. سیاست تغییر ترکیب ملی مناطق ترک نشین با کشتار گروهی و نسل کشی سیستماتیک اهالی در منطقه های قبلا اشغال شده، سیاستی است که ارمنیان در سده پیش اقلا چهار بار و با موفقیت بر علیه ترکان آذربایجانی اعمال نموده اند. تاکتیک نسل کشی ترکان آذربایجان و آناتولی توسط ارمنیها الهام بخش نیروهای صهیونیستی در اشغال اراضی عرب نشین فلسطین و بعدها صربها در بوسنی و کوسووا و بوده است:

۱- در آغاز قرن - سالهای جنگ اول در شرق ترکیه (آذربایجان ترکیه): ایگدیر، قارس، آرداهان، ارزروم، ارزینجان، ساری قامیش،....

۲- در همان سالها در آذربایجان جنوبی (ایران): اورمیه، سلماس، خوی، سولدوز، ماکو، مرند،

۳- در آغاز قرن - سالهای جنگ اول در آذربایجان شمالی: ایروان، باکو، شوشا، نخجوان....

۴- در سالهای اخیر در قره باغ و نواحی مجاور آن در آذربایجان شمالی: قاراباغ، خوجالی، کلبجر....

فجیعترین قتل عامهای انجام شده در آناتولی توسط ارمنیان در ساحه آذربایجانی و به طور مشخص در قسمتهای شرق ترکیه (آذربایجان ترکیه) انجام گرفته است. از سال ۱۹۱۵ تا پایان سال ۱۹۲۰ بیش از شش صد هزار تن از ترکهای منطقه، از زن و کودک و پیر و جوان در قفقاز جنوبی و در نواحی مجاور آن در شرق ترکیه تحت اشغال روسیه (باکو، ایروان، قارس، شاه تختی، زنگه زور، نخجوان، ایغدیر، سردارآباد، ساری قامیش، آرداهان، باتوم...) توسط ارتش ارمنی-تزاری و شبه نظامیان ارمنی به فجیعترین وضع ممکنه قتل عام و کشتار گردیدند. بسیاری شکنجه شده و اعضاء اجسادشان پاره پاره شد.^۱ آنانی که جان سالم بدر برده بودند از سرزمین خود اخراج گردیدند. سدها ده و روستا از طرف دسته های مسلح ارمنی به رهبری آندرانیک و بایون و دیگران غارت و به آتش کشیده شدند و به ویرانه ای تبدیل گردیدند.

^۱ به عنوان مثال در این دو آدرس سایت سیاهه ۵۱۸۰۰۰ تن از کشته شدگان ترک-مسلمان شرق آناتولی توسط ارمنیان طبق اسناد آرشیو دولتی عثمانی داده شده است:

<http://www.kafkas.edu.tr/kars/tablo1.htm>

<http://www.devletarsivleri.gov.tr/yayin/osmanli/ermenikatliam/katliamlistesi.htm>

و در این آدرس لیست ۸۹۵۰۰ از کشته شدگان توسط ارمنیها در شهرستان قارس آمده است:

<http://www.ermenisorumu.gen.tr/turkce/katliamlar/tablolalar.html>

تروریسم ارمنی



همزمان با نسل کشی و کشتارهای جمعی روستائیان و کودکان و زنان و پیران غیرنظامی ترک در شرق ترکیه-جنوب قفقاز-شمال ایران توسط ارتش و شبه نظامیان ارمنی به منظور تغییر ترکیب قومی منطقه به نفع خود، دو روش دیگر که ارمنیان به طور گسترده ای از آن استفاده نموده اند " ترورهای سیاسی" و "شورشهای مسلحانه" است. در واقع ارمنیان در سراسر امپراتوری

عثمانی، در پایتخت آن استانبول و حتی در کشورهای خارجی از چهل سال قبل از وقایع جنگ اول، دهها شورش مسلحانه و عملیات تروریستی اجرا کرده بودند. یکی از اینها اقدام به ترور سلطان عثمانی عبدالحمیدخان است. طبع معاهده برلین ماده ۶۱ دولت عثمانی موظف به انجام اصلاحاتی در ولایاتی که ارمنیان نیز در آنها ساکن بودند گردیده بودند. عبدالحمیدخان آگاه از نیت دولتهای استعماری غرب و میسیونرهای مسیحی، اجرای این ماده را مقدمه ای به سوی مختاریت این ولایات ارزیابی کرده و آنرا متوقف نمود و طرفداران اجرای این ماده از جمله نخست وزیر و برخی از مقامات دیگر را عزل کرد. متعاقب آن، ارمنیان اروپا و آمریکا نخست و بویژه در شرق کشور، به ترور و قتل تعداد کثیری از ارمنیانی که به دولت خود، عثمانی وفادار بودند دست یازیدند، سپس به آماده سازی شورشی در خاک عثمانی پرداختند. هدف آنها تامین مداخله و کشاندن پای دول اروپائی پس از ایجاد ناآرامی و شورشهای گسترده به آناتولی بود. اما عبدالحمیدخان بسیاری از اقدامات رهبران ارمنی را قبل از مداخله دول اروپائی خنثی نمود و با تاسیس لشکر حمیدیه در شرق موفق به جلب عشایر کرد به جانب عثمانی و گسترش امنیت و آرامش نسبی در شرق آناتولی گردید. رهبران ارمنیان به این نتیجه رسیدند تا زمانیکه سلطان عثمانی را از میان برداشته اند، موفق به تاسیس دولتی ارمنی در خاک عثمانی نخواهند شد. از اینرو تروریست اروپائی مشهوری را برای قتل وی اجیر نمودند. او نیز بمبی در ماشین عبدالحمیدخان دوم گذارد که به سبب تاخیر یک دقیقه ای وی پس از ادای نماز جمعه در مسجد بیلیدیز استانبول، بدون ضرر رساندن به او منفجر شد.

با شروع جنگ اول جهانی تروریسم ارمنی نیز فعالتر گردید. تشدید موج تروریسم ارمنی همزمان با اشغال شرق عثمانی توسط قوای روسیه تزاری و تعرض و پیشروی نیروهای اشغالگر انگلیس، فرانسه، ایتالیا و یونان از غرب و از جنوب در خاک آناتولی بود. این ترورها در هماهنگی کامل با دول اشغالگر بویژه سه دولت روسیه، فرانسه و انگلستان انجام میگرفت. تروریستهای ارمنی که طلعت پاشا را به قتل رسانیدند در دادگاه گفتند که "انگلستان ما را اغفال نمود" و این ادعایی بسیار درست بود. در کتاب سه جلدی اخیرا چاپ شده "روابط فرانسه-ارمنی در اسناد عثمانی" حاوی ۲۸۹ سند فرانسوی و عثمانی، با وضوح تمام نشان داده میشود که بین سالهای ۱۹۲۲-۱۸۷۹ دولت

فرانسه مستقیماً در تحریک ارامنه عثمانی به تجزیه این کشور، اجرای قتل عامها و کشتارهای جمعی ترکیه-مسلمانان در آناتولی و حمله به مراکز نظامی دولتی نقشی راهبردی داشته است. ارتش فرانسه در این دوره هزاران تن از ارامنه را در مصر، قبرس و لبنان آموزش داده و در سالهای جنگ اول جهانی و جنگ استقلال ترکیه در جنگ علیه این کشور بکار گرفته است. حتی در ماراش و آدانا نیروهای فرانسوی خود عقب کشیده و قتل عام توده مسلمان را بدست نیروهای مسلح ارمنی که در این نواحی مستقر نموده بودند انجام داده اند. زمانی که در مارس ۱۹۲۱ طلعت پاشا در برلین، در آوگوست همان سال سعید حلیم پاشا در رم، سال بعد جمال پاشا در تفلیس توسط تروریستهای ارمنی پیدرپی ترور شده و به قتل رسیدند روزهای اوج جنگ استقلال ترکیه بود.

تحجیر و کوچ اجباری

پروفسور استانفورد شاو (Stanford Shaw) استاد تاریخ دانشگاه لس آنجلس کالیفرنیا مینویسد: «ارمنیان برای تحقق خواسته های خود متمایل به روسیه و اروپا شدند. خیانت ارمنیان در این رابطه در آغاز جنگ جهانی اول به شکل تصمیم گیری کمیته های ارمنی در تمرد از خدمت به دولت خود عثمانی و همکاری با نیروهای ارتش متجاوز تزاری روسیه جلوه گر شد. آنها امیدوار بودند که پادشاه همکاریشان با ارتش تزاری، دولتی کنده شده از خاک عثمانی برایشان باشد. دولت روسیه که قبلاً به ارمنیان وعده دولتی خودمختار نه تنها در اراضی تحت حاکمیت خود، بلکه در بخشهای وسیعی از شرق آناتولی را داده بود، این امر را به منزله اتمام کار آغاز شده ریشه کن کردن مسلمانان و پاکسازی آنها از قفقاز به سال ۱۸۷۷-جائی که هنوز اکثریت جمعیتی اهالی با مسلمانان بود- میشمرد. قبل از جنگ، هنگامی که تزار نیکلای دوم شخصاً برای بازرسی از آخرین طرحهای همکاری با ارمنیان بر علیه عثمانی ها به قفقاز آمده بود، رهبر دایره ملی ارمنی در تفلیس در دیدار با وی چنین میگفت: (از همه کشورها، ارمنیان برای پیوستن به صفوف ارتش ظفرمند روسیه سرازیر میشوند تا با خون خود به پیروزی ارتش روسیه خدمت کنند. بگذار پرچم روسیه بر فراز تنگه داردانل و بسفر (بوغاز) به اهتزاز در آید..... بگذار، با اراده شما اعلیحضرت، مردمی که زیر یوغ عثمانی (ترک) باقی مانده اند به آزادی خویش دست یابند. بگذار مردم ارمنی عثمانی که به خاطر ایمان به مسیح رنجهای بسیار برده اند، به رستخیز خود برای زندگایی آزاد زیر حمایت روسیه نائل شوند.....). بدنبال آن رهبران سیاسی، افسران ارتش و سربازان معمولی ارمنی، مطمئن از شکست و تجزیه عثمانی و غلبه روسیه تزاری گروه گروه به نیروهای اشغال پیوستند. با آغاز دوباره سیل ارمنیان برای پیوستن به قوای روسیه، مقدمات برای زدن ضربه از پشت به عثمانیان آماده گردید و تزار، مطمئن از اینکه در نهایت روزی که وی بر استانبول مسلط خواهد شد فرا رسیده است، به پترزبورگ بازگشت».

پروفسور استانفورد شاو ادامه میدهد: «با هجوم نیروهای روسیه در سال ۱۹۱۴ به شرق آناتولی در آغاز جنگ جهانی اول، سطح همکاری ارمنیان عثمانی با دشمن به شکل فوق العاده ای افزایش یافت. خطوط تدارکاتی عثمانی توسط پارتیزانهای ارمنی مورد حمله قرار گرفت و نابود شد، کمیته های شورشی ارمنی شروع به مسلح نمودن مردم عادی ارمنی کردند و اینها هم بنوبه خود آغاز به قتل عام اهالی و همسایگان ترک و کرد مسلمان خود در

وان، در پیشواز ورود قریب الوقوع ارتش مهاجم روسیه که منتظر آن بودند نمودند. در آوریل سال ۱۹۱۵ کمیته های ارمنی دانشناک متشکل از ارمنیان قفقاز، در پیشواز قوای اشغال روسیه، در شهر وان که در آن ارمنیان بالاترین درصد جمعیتی در همه خاک عثمانی را داشتند ۴۲،۳ درصد) شورش ترتیب داده و شهر را به اشغال در آوردند. مقامات محلی ارمنی که میدانستند جمعیت ارمنی از درگیری طولانی با اکثریت مسلمان متضرر خواهد شد، در صدد آرام نمودن ارمنیان شورش بر آمدند. اما شورشیان ارمنی قفقازی، موفق به جلب مردم به جانب خود - با این وعده که در صورت کمکشان به ریشه کن کردن اهالی مسلمان و اعلام وفاداری به تزار، نیروهای ارتش روسیه به یاری آنها خواهد آمد- گردیدند. لشکر روسیه مستقر در قفقاز نیز در همین اثنا، با کمک داوطلبان ارمنی متشکل از پناهندگان آناتولی و اهالی قفقاز، شروع به تهاجم به سوی وان نمود. ارتش تزاری در ۲۸ آوریل به شرق آناتولی وارد شد و در ۱۴ مه به وان رسیده به محض ورود به شهر شروع به کشتار و سلاخی همه اهالی مسلمان نمود. در طی دو روز و با بیرحمی تمام ۳۰۰۰۰ تن از مسلمانان ترک و کرد وان توسط ارمنیان به قتل رسید. بخش مسلمان نشین شهر کاملاً ویران شد و متعاقب آن تاسیس جمهوری ارمنی وان تحت الحمایه روسیه اعلام گردید. اکنون به نظر میرسد که با کشتار تمام اهالی مسلمان و یا فراری دادن آنها بتوانند دولت جدید ارمنی را سرپا نگاهدارند. لشکری ارمنی ایجاد شد تا طبق اسناد ارمنی، "همه ترکان ساحل جنوب دریاچه وان را، در آماده سازی برای پیشروی ارتش روسیه به سوی بیتلیس، از این سرزمین برانند". با سرازیر شدن هزاران تن از ارمنیان موش و دیگر شهرهای عمده شرق به سوی دولت جدید ارمنی و تا اواسط ژوئن، جمعیت ارمنیان تجمع کرده در ناحیه وان به ۲۵۰۰۰۰ تن رسید. (قبل از این جریانات مجموع جمعیت ترک و غیر ترک وان به زحمت به ۵۰۰۰۰ تن میرسید). در اوایل جولای ارتش عثمانی با آغاز تهاجمی متقابل، موفق به پس راندن ارتش روس-ارمنی شد. با عقب نشینی ارتش روسیه-ارمنی، دهها هزار تن از ارمنیان از ترس انتقام کردان و مجازات شدن توسط دولت عثمانی به خاطر قتل عام اهالی مسلمان - که امکان ایجاد دولت ارمنی کوتاه عمر وان را برایشان فراهم کرده بود- با رها کردن خانه و کاشانه خود شروع به فرار به سوی قفقاز نمودند. در این فرار نزدیک به ۴۰۰۰۰ تن از ارمنیان هلاک شدند. این تعداد هرگز در معرض تحجیر و یا کوچ اجباری نبوده اند و دولت عثمانی نیز کوچکترین نقشی در کشته شدنشان نداشته است."

در همین اثناء و به تنهایی در ایالت سیواس که ارتش روسیه هنوز بدانجا داخل نشده بود، بیش از ۱۸۰۰۰۰ نفر از اهالی ترک توسط تجزیه طلبان ارمنی کشته شد. در همین دوره روسیه صدها هزار تن از مسلمانان قفقاز را از خانه و کاشانه خود اخراج و به سوی آناتولی روانه ساخت. قبلاً بین سالهای ۱۸۲۷ و ۱۸۷۸ بیش از یک میلیون و سیصد هزار تن از مسلمانان جنوب قفقاز توسط دولت تزاری روسیه از سرزمین خود اخراج - تحجیر شده بودند. تا سال ۱۹۰۰ نیز بیش از ۱۴۰۰۰۰۰ نفر دیگر از مسلمانان و ترکان قفقاز توسط روسها از سرزمینشان اخراج شدند. یک سوم اینان به قتل رسیده و یا قربانی قحطی و بیماری گردیده هلاک گردیدند. با گسترش کشتارها و موج قتل عامهای مردم بیدفاع ترک و کرد و عرب و یهودی در شرق آناتولی و اوج گرفتن ترورها و شورشیهای مسلحانه توسط ارمنیان، مقامات مستاصل دولت عثمانی که در هفت جبهه بر علیه نیروهای اشغال دول استعماری میجنگیدند، ناتوان از انجام تحقیقاتی سالم و دقیق برای تشخیص شبه نظامیان ارمنی مسبب قتل عامها و

ترورها- که همه با قوای دول اشغالگر در همکاری و وابسته به آنها بودند- از مردم عادی، و محروم از توانائی جدا کردن معصوم از مجرم، از سر ناچاری و به توصیه برخی مقامات دولت آلمان به فکر مقابله به مثل با روسیه تزاری افتاده و تصمیم به جابجایی (تحجیر) ارمنیان خط مقدم جبهه در منطقه وان و شرق امپراطوری، به دیگر نقاط امپراتوری و ترجیحا خارج آن -جائیکه از دسترس و تحریکات روسیه و دول اروپایی متفقدش بدور باشند - گرفت. تدبیری که عین آنرا امپراتوری روسیه بارها و بارها و در حین همین جنگ نیز در طرف خود انجام داده بود.

پروفسور استفانورد شاو (Stanford Shaw) در اینباره مینویسد: "روسیه در مراحل مقدماتی عملیات قفقاز و برای مهیا ساختن منطقه برای جنگ، به بهترین وجهی موفق به سازماندهی امر تخلیه ارمنیان از نواحی مرزی طرف خود شده و تمام ارمنیان طرف خود را جابجا نموده بود. ارمنیان نیز - با این اندیشه که پیروزی حتمی و قریب الوقوع روسیه آنها را قادر خواهد ساخت نه تنها در کوتاه مدت به خانه های خود باز گردند بلکه این امکان را به آنها خواهد داد که سرزمین ترکها در آنسوی مرز را نیز متصرف شوند- کاملا داوطلبانه به این امر رضایت داده بودند. انور پاشا نیز همین تدبیر روسیه را سرمشق خود قرار داد تا سوی عثمانی را برای مقاومت در مقابل تهاجم روسیه آماده سازد. زیرا رهبران ارمنی به صراحت حمایت علنی خود از دشمن را در هر حال و کار اعلام نموده و چاره ای دیگر باقی نگذاشته بودند. و البته در این شرایط غیرممکن بود که بتوان تعیین نمود کدام یک از ارمنیان وفادار به دولت، و کدام یک مطیع رهبرانشان اند. با آغاز بهار فرمان جابجائی و تخلیه تمام ارمنیان سه استان وان، بیتلیس و ارزروم در مجاورت مرزهای روسیه، و دور کردنشان از نواحی ای که ممکن بود در مقابل عملیات عثمانی بر علیه روسیه در جبهه شرق و یا انگلستان در جبهه مصر خرابکاری کنند و جای دادن آنها در شهرها و کمپهائی در موصل صادر شد. در ضمن ارمنیان روستائی جنوب (ارمنیان غرب امپراتوری و شهرها از تحجیر معاف شده بودند) نیز میبایست به همان دلایل به سوریه مرکزی منتقل میشدند. دستورات ویژه ای صادر شده بود که طبق آنها ارتش و فرماندهان نظامی میبایست از ارمنیان در مقابل حملات و اقدامات انتقامجویانه عشایر کرد و دیگر مسلمانان بابت ترورها و کشتارهای فراوانی که ارمنیان سالیان دراز مرتکب شده بودند محافظت نموده و آنها را حین انتقال و پس از اسکان با غذا و دیگر احتیاجات ضروری تامین نمایند. طبق این اوامر ارمنیان میبایست تا بازگشت به خانه هایشان پس از جنگ محافظه میشدند."

در طول تدبیر تحجیر اجباری، ارمنیان با هلاک شدن دهها هزار تن از ایشان، بهای بسیار سنگینی بابت خیانتها و اشتباهات رهبران خود و نیز سکوت و حمایت خویش از آنها پرداختند. بواقع توده ارمنی ساکن در عثمانی، قربانی تحریکات مسیونرهای مذهبی مسیحی فاناتیک و دسائس دول استعماری اروپائی بویژه روسیه، انگلستان، فرانسه، و همچنین قربانی ماجراجوئی رهبران افراطی بنیادگرا و راسیست خویش که همه ماشه و بازچه دست دول استعماری-مسیحی غرب و در سودای ایجاد کشوری ارمنی در وطن خلق دیگری، به ایجاد جنگ داخلی اقدام نموده بودند گردیدند.

تاریخنگاران چه میگویند:



بنابر منابع بین المللی و اسناد غیرارمنی سالهای جنگ اول جهانی و نظرات محققین تاریخی و جمعیت شناسان، مجموع کشته شدگان ارمنی حوادث تاسفبار تحجیر و جنگهای خونین بین ارتش اشغالگر داشناک ارمنستان-تزاری روسیه و ارتش عثمانی، بین ۶۰۰-۷۵ هزار تن و تعداد کشته شدگان ترک-مسلمان بین دو و دو و نیم میلیون نفر است. تمام منابع و اسناد غیرارمنی بعد از جنگ اول، از جمله دائره المعارف

بریتانیکا چاپ ۱۹۱۸ در مقاله ای به قلم یک بریتانیایی، سقف تلفات ارمنیان را کمتر از ۶۰۰۰۰۰ تن برآورد میکنند. (ثبت سالانه لندن - Annual Register London - این رقم را ۷۶۰۰۰ تن ذکر کرده بود). این رقم بعدا در این دائره المعارف در مقاله ای - که اینبار مولف آن یک ارمنی است- به ۱۵۰۰۰۰۰ تن افزایش یافته است.

پرفسور ژوستین مک کارتی (Justin McCarthy) میگوید: "در میان سالهای ۱۹۲۲-۱۹۱۲ کمی کمتر از ۶۰۰۰۰۰ تن از ارمنیان آناتولی حیات خود را از دست داده اند" و میافزاید که در همین دوره زمانی، دو و نیم میلیون (۲۵۰۰۰۰۰ تن) از مسلمانان آناتولی عمدتا ترک نیز کشته شده اند. وی مینویسد: آنچه در باره حوادث شرق آناتولی، تبعید و قتل عام گفته میشود، چیزی به جز داستانی یک سونگرانه نیست. سرنوشت پناهندگان ارمنی و مسلمان (ترک) بسیار به هم شبیه بوده است. جنگ و دسته های اشرار، گرسنگی و بیماری بین ارمنی و ترک تبعیضی روا نداشته، ترکها و ارمنیها را به یکسان هلاک کرده است. در آن سالها حدود ۲۵۰۰۰۰۰ (دو میلیون و نیم) تن ترک و کرد نیز جان خود را از دست داده اند. در سالهای جنگ اول جهانی تقریبا همه اهالی مسلمان شرق و جنوب شرقی آناتولی یا به قتل رسیده و یا به صورت فراری- پناهنده- مهاجر در آمده بودند. ما اکنون بر اساس اسناد و منابع موثق میدانیم که بین سالهای ۱۹۲۲-۱۹۱۲ اندکی کمتر از ۶۰۰۰۰۰ تن از ارمنیان آناتولی هلاک شده اند. ۶۰۰۰۰۰ تن به هیچ وجه رقم کوچکی نیست. ارمنیان تلفات فوق العاده ای داده اند. اما هنگام بررسی تلفات ارمنیان، میبایست که تلفات مسلمانان را نیز در نظر داشت. آمارها به ما میگویند که در همین حوادث بیش از ۲۵۰۰۰۰۰ تن مسلمان آناتولیایی اعم از ترک، کرد و عرب نیز هلاک گردیده اند. گرچه رنج ارمنیان به هیچ وجه نمیبایست دست کم گرفته شود، اما این رنج هرگز نمیاید جدا از فلاکت و تیره روزی مسلمانان آناتولی مطالعه گردد. از شواهد اسنادی و آمارها بدست میآید که علت هلاکت مردم، خشونت بین دو جمعیت قومی (ترک

و ارمنی)، مهاجرت اجباری هر دو گروه مسلمان و مسیحی، بیماری و قحطی بوده است. کشته شدگان تنها عبارت از سربازان و نظامیان دو طرف در میدان جنگ نبوده اند، بلکه زنان و کودکان و مردانی نیز بوده اند که بین آتش دو ارتش روسیه و عثمانی و جنگ قومی دو گروه ارمنی و ترک گرفتار آمده بودند. اکنون ما به طور قطع میدانیم که سبب اصلی تلفات، جنگ قومی دو جماعت ارمنی و ترک بوده است. به طور مثال در ایالت سیواس که ارتش روسیه هرگز بدانجا داخل نشده بود، به تنهایی بیش از ۱۸۰۰۰۰ نفر ترک (توسط تجزیه طلبان ارمنی) به قتل رسیده است. کشتار مسلمانان بیگناه و معصوم توسط تجزیه طلبان ارمنی در اسناد و مدارک خود ارمنیان نیز ثبت گردیده است."

وی در باره حادثه تحجیر و ادعای نسل کشی ارامنه میگوید: "عثمانی و روسیه تزاری هر دو، در تدارک آماده شدن برای جنگ، اهالی مناطق مرزی خود را جابجا (تحجیر) نموده به کوچ اجباری واداشته اند. در مناطقی که حاکمیت دولت عثمانی کمرنگ و ضعیف بود، ارمنیان متحمل ضایعات فوق العاده بیشتری شده اند. در مناطق جنوبی که حاکمیت عثمانی تام و برقرار بود حوادث ناخوش آیند بسیار اندک است و بنا به اسناد تأیید شده توسط خود ارمنیان، تحجیر شدگان با سلامت نسبی به سوریه رسیده اند. کوچکترین شبیه سازی بین نازیها و عثمانی ها و ادعای نسل کشی ارامنه توسط ترکها بسیار مضحک است. آنچه به وقوع پیوسته جنگ بود، نه نسل کشی. مطرح کنندگان ادعای نسل کشی ارامنه توسط ترکان، میبایست نخست وضعیت استانبول پایتخت امپراتوری عثمانی که تماماً در حاکمیت و کنترل دولت بود و در آن کوچکترین تعرضی به ارمنیان صورت نگرفته است را ایضاح کنند (علیرغم آنکه در استانبول ارمنیان دهها عملیات و حمله تروریستی بر علیه مقامات و اماکن دولتی داشته اند)".

پروفسور استانفورد شاو (Stanford Shaw) کل تلفات ارمنیان را حدود ۲۰۰۰۰۰ تن و تلفات مسلمانان را ده برابر آن یعنی دو میلیون تن برآورد میکند: "کل جمعیت ارمنیان امپراتوری عثمانی حدود ۱۳۰۰۰۰۰ تن بوده است. نیمی از اینان ساکن مناطق شرقی بودند. با معاف شدن ساکنین شهرها از تحجیر، تعداد واقعی جابجاشدگان چیزی در حدود ۴۰۰۰۰۰ تن بود که شامل تروریستها و شورشیانی که با شروع جنگ جهانی از شهرها جمع آوری شده بودند نیز میشد. علاوه بر آن نزدیک به نیم میلیون تن از ارامنه در طول سالیان جنگ به قفقاز و دیگر جایها مهاجرت نمودند. پس از جنگ نیز هنوز ۱۰۰۰۰۰ تن ارمنی در خاک عثمانی ساکن بود و باز حدود ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ تن به کشورهای اروپای غربی و آمریکا مهاجرت نمودند. بنابراین میتوان گفت که کلا حدود ۲۰۰۰۰۰ تن از ارمنیان، نه تنها در اثر کوچ اجباری بلکه بر اثر عملیات جنگی، گرسنگی و بیماری هلاک شده اند. همان عواملی که در همان زمان حدود دو میلیون مسلمان را نیز هلاک نموده است." وی اضافه میکند: "پاسخ عثمانی، صدور فرمان جابجائی تبعه ارمنی خود از مسیر هجوم ارتش مهاجم دشمن تزاری و از بین بردن احتمال خرابکاری آنها در مقابل اقدامات جنگی عثمانی بود. عثمانیان قادر به جداسازی ارمنیان وفادار به دولت و آنها که مطیع رهبران خویش بودند نبودند. بررسی دقیق اسناد سری نشان میدهد که در هئیت وزرا عثمانی هیچ مقامی از حکومت مرکزی فرمانی دائر بر قتل عام صادر نکرده است. برعکس، فرامین بسیاری صادر شده اند که در آنها به مقامات محلی امر میشود که همه اقدامات و تدابیر لازم را برای جلوگیری از هر گونه درگیریهای قومی و حمله و هجوم به ارامنه انجام داده شود."

دکتر ساموئل آ. ویمس (Samuel A. Weems) در کتاب خود "ارمنستان: اسرار یک دولت مسیحی تروریست" (Secrets of A 'Christian' Terrorist State: Armenia) چنین میگوید: "وقایع سالهای ۱۹۱۵ بر خلاف ادعای ارامنه نسل کشی نیست، کشتار متقابل و مقاتله است. اسناد موجود در آرشیوهای وزارت خارجه بریتانیا و مسیونرهای مذهبی آمریکائی که در آن سالها در آناتولی بسیار فعال بوده اند، همه نشانگر آنند که ارقامی که امروز ارمنیان آنها را مطرح میکنند و در افکار عمومی جهانیان جای داده اند، چه در رابطه با شمار ارمنیان، چه در رابطه با آنهائیکه تابع تحجیر شده اند، و چه آنهائیکه در کشتارهای متقابل به هلاکت رسیده اند همه اشتباهند."

ژان پل پروبست (Jean-Paul Probst) مدیر کل دائره خانواده فرانسه در مورد ادعای نسل کشی ارامنه توسط عثمانیان چنین میگوید: ادعای نسل کشی ارامنه دروغی بسیار بزرگ است. این حادثه چیزی به جز جواب یک امپراتوری به ارمنیانی که توسط دول غربی تحریک شده بودند نیست."

سوالاتی که باید پاسخ داده شوند

متأسفانه در رسانه های فارسی دولتی و غیردولتی ایران و خارج آن، درج و نشر ادعاهائی در همسوئی با تبلیغات ضد ترکی-ضد مسلمان ارمنی و مشخصاً افسانه هائی دائر بر نژادپرست بودن دولت عثمانی، اعمال نسل کشی ارامنه توسط این دولت و همسنگ شمردن آن با نسل کشی یهودیان در آلمان نازی و مد روز است. آشکار است که صرف مسئله تعلق به نژاد و قومیت ارمنی، انگیزه تدبیر تحجیر نبوده است. دلیل تحجیر و جابجائی ارمنیهای شرق عثمانی در جنگ جهانی اول - درست و یا نادرست، پاسخی متناسب و یا نامتناسب- عملکرد این گروه به عنوان ستون پنجم نیروهای دشمن و اشغالگر روسیه در داخل خاک عثمانی بوده است. همسنگ شمردن یهودسوزانی آلمانها با نسل کشی ارمنیها نیز اشتباه محض است. کشته شدن یهودیان در آلمان مصداق بارز قتل عام و نسل کشی است ولی کشته شدن ترکها و ارمنیها در جنگ بین ارتش عثمانی و تزاری-داشناک مصداق نسل کشی نیست:

1. اولین خصوصیتی که همه تاریخ نگاران و از قضا خود مللی که در بالکان و قفقاز و خاورمیانه و شمال آفریقا در باره عثمانی بر آن اتفاق دارند نژادپرست نبودن این امپراتوری است. اساساً نزد تاریخ نگاران، امپراتوری عثمانی و حاکمان آن که منسوب به ملل متفاوتی از ترک و تاتار و سرب و عرب و کرد و ارمنی و آلبان و چرکس و بوده اند، به مدارای قومی بارز و بی همتا مخصوصاً در باره غیرمسلمانان و غیرترکها مشهورند. تنها قتل عامهایی که عثمانیان واقعا مرتکب آنها شده اند، کشتار قزلباشان یا غلات شیعه علوی است که تصادفاً اینها هم همگی ترک بوده اند.
2. اگر عثمانی تصمیم به قتل عام ارامنه به صرف تعلقشان به نژاد و قومیت ارمنی گرفته بود به چه سبب این تدبیر شامل ارامنه غرب عثمانی و استانبول و شهرها نشده است؟

3. چیزی به اسم نسل کشی ارمنه در عثمانی وجود ندارد، نسل کشی ارمنی در عثمانی، تماما ادعائی محصول خیال، بزرگنمائی و تبلیغات ارمنیان است. اگر در سرزمین آناتولی نژادکشی ارمنه به وقوع پیوسته است به چه سبب ارمنیانی که به سوریه مهاجرت کرده بودند بعدها به سرزمینی که چنان جنایتی در حق آنها رواداشته باز گشته اند؟ اگر نسل کشی ای از جانب ترکها در میان بوده باشد، چرا ارمنیان بسیاری در جنگ استقلال خلقی که در حق آنها نژاد کشی کرده بود شرکت نموده و بسیاری از افسران و نظامیانشان نیز مدال قهرمانی استقلال گرفته و یا شهید شدند؟
4. آنچه اتفاق افتاده تعرض همزمان قوای روسیه و ارتش ارمنستان به شرق ترکیه و جنگ خونین بین قوای تزار-دانشناک و ارتش عثمانی است. در این جنگ خونین و درگیریهایی اسفبار قومی مسلمان و مسیحی و عواقب تلخ ناشی از آنها، حدود ۶۰۰-۲۰۰ هزار تن ارمنی و دو-دو میلیون و پانصد هزار تن مسلمان ترک و کرد و عرب و یهودی به قتل رسیده اند. حال اگر کشته شدن ارمنیان در جنگی جهانی نسل کشی است، کشته شدن دو نیم میلیون ترک-مسلمان توسط ارتش تزار-دانشناکها هم نسل کشی است.
5. رسم است که در تعاریف نسل کشی، نبود شورش مسلحانه از سوی گروه قربانی شرط شمرده شود. یهودیان آلمان قبل از وقایع مربوطه هرگز دست به شورش مسلحانه و سابوتاژ و یا ترور نزده و هیچگاه به کشتار فردی و جمعی آلمانیها اقدام نکرده بودند. حال آنکه ارمنیان و دسته جات مسلحشان از چهل سال پیش از وقایع فوق دهها شورش مسلحانه برپا و عملیات تروریستی بیشماری اجرا کرده و به دفعات به کشتار جمعی مسلمانان ترک و کرد و عرب و یهودیان دست زده بودند.
6. یهودیان در صدد تجزیه آلمان و ایجاد دولتی از خاک آلمان نبوده اند، اما ارمنیان خواستار تجزیه قلمرو عثمانی و ایجاد دولتی ارمنی آنها در مناطق ترک نشین و کردنشین این کشور بوده اند.
7. یهودیان آلمان، بر عکس ارمنیان عثمانی به عنوان ستون پنجم دولت دیگری-چه برسد به همکاری با نیروهای استعماری و حمله نظامی در صف دولت تزاری روسیه و فرانسه و ایتالیا و انگلیس و یونان - عمل نکرده بودند و

ارومی، کی ز آفت خواهد آسود؟

با سقوط دولت تزاری روسیه، قوای وی مجبور به عقب نشینی از خاک عثمانی شد. متعاقب آن با پس راندن نیروهای اشغالگر انگلیس و فرانسه و یونان تحت رهبری آتاترک، خلق ترک موفق به کسب و حفظ استقلال وطن خویش گردید و بدین ترتیب طرح ماجراجویانه دول استعماری اروپائی و غرب و بنیادگرایان مسیحی برای تاسیس دولتی صلیبی-ارمنی در خاک و مناطق ترک نشین شرق آناتولی (آذربایجان ترکیه) با استفاده از ترور، شورشهای مسلحانه، نسل کشی، کشتار و اخراج توده ترک با ناکامی مواجه گردید. اما پس از اتفاقات عثمانی، نه ارمنیان و نه دول استعماری از پای ننشستند. در همان سالها روسیه در جنوب قفقاز بخشهایی بسیار گسترده از اراضی ترک نشین آذربایجان را تجزیه و به دولت تازه تاسیس شده ارمنستان (و بخشهایی از آنرا به داغستان روسیه و گرجستان) الحاق نمود. دولت جدید ارمنستان نیز شروع به اخراج و پاکسازی ساکنین ترک این مناطق بویژه از

شهر ترک نشین و آذربایجانی ایروان، پایتخت بعدی این دولت کرد. هنگامی که روسها خانات ترکی-آذربایجانی ایروان - جمهوری ارمنستان امروزی- را اشغال نمودند، اکثریت جمعیت آن ترک بود. تقریباً دو سوم جمعیت مسلمان خود شهر ایروان-پایتخت بعدی ارمنستان- یعنی بیش از ۶۰۰۰۰ تن در اوایل قرن از طرف روسیه و بقیه به همراه ترکان ساکن در دیگر مناطق ارمنستان در اواخر قرن بیستم از طرف دولت ارمنستان به زور اخراج شدند.

از طرف دیگر و همزمان با وقایع عثمانی، ارمنیان باز با تحریک، خط دهی و کمک دول استعماری غرب-مسیحی به هوس الحاق بخشهایی از خاک آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران) به دولت خویش افتادند. و باز در زمینه سازی این هدف، نیروهای مسلح دولت ارمنستان و شبه نظامیان ارمنی به سودای بدست آوردن برتریت جمعیتی عددی و خاک، دست به قتل عام و نسل کشی ترکان در ایران (آذربایجان جنوبی) در سالهای جنگ اول جهانی زدند. قتل عام فجیع و نسل کشی بیش از صد هزار تن از ترکان آذربایجان جنوبی (اورمیة، سولدوز، خوی، سلماس، مرنه، ...) انجام شده توسط نیروهای مسلح مسیحی ارمنی-آسوری، به حوادث "جلیوولوق-قاچاقلار" معروف است.

پس از فرو پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی و گرفتار آمدن آذربایجان در دامن جنگ داخلی و ناآرامیهای قومی و در اثر غفلت رهبران و ساده لوحی مردم آذربایجان، ارمنیان دوباره فرصت را غنیمت شمرده استقلال منطقه عمدتاً ارمنی نشین قره باغ علیا را از آذربایجان اعلام نمودند. و بدنبال آن سناریوی قتل عام ترکها و اشغال اراضی آذربایجان در سالهای جنگ جهانی اول در شرق ترکیه، جنوب قفقاز و آذربایجان ایران توسط ارمنیها و با حمایت ها و تشویبهای آشکار و نهان روسیه و دول بزرگ غربی و مراکز میسیونری مسیحی، بار دیگر و عیناً تکرار شد. با پیشروی ارتش ارمنستان و نیروهای روسیه در داخل خاک آذربایجان، ارتش این کشور علاوه بر قره باغ علیا، قره باغ سفلی ترک نشین را نیز متصرف و افزون بر آن هفت استان دیگر جمهوری آذربایجان را اشغال نمود. جنگ خونین در گرفته بیش از پنجاه هزار کشته و یک میلیون بیخانمان و آواره ترک برجای گذاشت. در ادامه، به عنوان تاکتیکی برای فراری دادن اهالی ترک، ارتش ارمنستان با حمایت هنگ ۳۶۶ ارتش روسیه شهر خوجالی آذربایجان را اشغال و به کشتار جمعی توده ترک غیرنظامی اقدام نمود. در قتل عام خوجالی صدها غیرنظامی شامل زنان و کودکان به طرز فجیعی کشته شدند. گزارشات منابع حقوق بشری و بین المللی بیطرف، پر از ذکر نمونه های فجایع انجام شده در این قتل عام توسط نیروهای ارمنی، مانند دریدن شکم و بریدن گوشهای زنان و مردان، شلیک تیر خلاص به سرهای کودکان و نوجوانان، کشتار تمامی اعضاء بسیاری از خانواده ها، مثله کردن سربازان اسیر و به دار آویختنشان میباشد.

گترچه یه هو!!!